

آویخته، سال به سال قندهلها افروخته دارند. از این مسجد بگذری، هم بر در دیوار شرقی چون به گوشه رسی مسجدی دیگر در غایت تکلف ساخته‌اند بزرگتر از مسجد عیسی (ع)، آن را مسجد اقصی خوانند. و این آن مسجد است که ایزد - سبحانه و تعالیٰ - مصطفی را - صلی الله عليه وسلم - شب معراج از مکه آنجا آورد و از آنجا به آسمان برد و در قرآن یاد کرده است. قوله تعالى: *سبحان الذي أسرى بيده ليلًا من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى*.

آنچا عمارتی بسیار به تکلف کرده‌اند و فرشهای پاکیزه افکنده، و اکثر زیر مسجد حوضه‌است و این حوضها که در مسجد است چنان ساخته‌اند که هرگز به عمارتش احتیاج نیفتند. گویند این همه عمارتها سلیمان بن داود (ع) [کرده است و هر حوضی را که هست سرفراز آورده اند تا چون سر چاهی شده است. آن گاه چون تنوری سنگین تراشیده بر سر آن حوض نهاده‌اند]. [بعد از آن سرپوشی بر سر آن نهاده]، چنانکه ساحت مسجد همه هموار است و کس نداند که حوض کجاست. آب از آن حوضها به رسن و دلو برکشند و آب آن از آب همه مواضع خوشتر باشد. هر گاه باران آید هیچ ضایع نشود، مجموع به این حوضها رود. و نیز اگر باران نیاید و هوا از ابر خالی باشد، از نیم شب تا چاشتگاه ناودانهای بام مسجد قطره قطره می‌بارد در اکثر فصول (سال)، از شبین که در هوا بشد. و بامهای مسجد مجموع ارزیز گرفته‌اند.



مأخذ: [جغرافیای حافظ ابرو، صص ۳۲۷-۳۲۳]

است. و یک در رابطه النبی خوانند و گویند این دری است که نبی در شب معراج از این در درآمده است. و در دیگر رابطه العین گویند و نزدیک آن در چشم‌های است. و یک در رابطه گویند، و گویند این دری است که ایزد تعالیٰ مرینی اسرائیل را فرمود که اندر آیند. قوله تعالیٰ: *وَادْخُلُوا الْبَابَ سَجَدًا وَقُولُوا حَطَّةٌ نَغْرِلَكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ* و یک در رابطه البقر گویند؛ و در دیگر رابطه الاسباء؛ و یک در رابطه السکينة؛ و یک در رابطه الابواب.

و در اندرون این مسجد در زیر زمین، مسجدی دیگر است. چنانکه نربان پایه‌ای بسیار فرو باید رفت؛ و در آن فرود، دری به عظمت برنشانده و درون آن به مقدار بیست گز در پانزده گز بر سر ستونها از سنگ رخام. و مهد عیسی (ع) آنجا نهاده است و آن مهدی است [سنگین (به) مقدار آن که یک کس در آن نماز تواند گذارد؛ و آن را در زمین محکم کرده‌اند و گویند این آن مهد است] که عیسی (ع) در آنجا بود و در طفیلی با مردم سخن گفته است، چنانکه حق - سبحانه و تعالیٰ - فرموده است: *وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلَأَْ وَمَهْدَ بِهِ جَاءَ مَحْرَابَ بَدِينِ زَمِينِ فَرُوبَرَهُ اَنَدَ وَمَحْرَابَ مَرِيمَ (ع) در این مسجد است [بر مشرق]، و آیاتی که در قرآن در حق مریم وزکریا آمده است، بر این محراب در سنگ کنده‌اند. و چنین گویند که مریم، [عیسی را] (ع) آنجا زاده است [و آن را مسجد عیسی خوانند. و زمین این مسجد همه به رخام ملون آراسته است] و همه زمین و دیوارها به فرشها و ازارهای منقوش پیراسته و قنادیل سیمین

غزلی از غالب دهلوی

صد چشم روان سست بدان راه‌گذر بر
آبی سست نگاهم که بپیچد به گهر بر
زین خنده که دارم به تمثای اثر بر
چشمی که سیه ساخته خسرو به شکر بر
عیشی به خیال اندر و داغی به جگر بر
سر روی که گشندش به تمثای تو در بر
اینک به تودادیم تو در عیش به سر بر
سر پنجه به دامن زن و دامن به کمر بر
ساقی می و آلات می از حلقه به در بر

بی دوست زبس خاک فشاندیم به سر بر
غلتانی اشکم بود از حسرت دیدار
از گریه من تا چه سرایند ظریفان
امید که خال رخ شیرین شود آخر
از خلد و سقر تا چه دهد دوست که دارم
بالد به خود آن مایه که در باغ نگند
عمری که به سودای تو گنجینه غم بود
جان می دهم از رشک به شمشیر چه حاجت
مطرب به غزلخوانی و غالب به سماع است

مأخذ: [دیوان غالب دهلوی، ص ۲۴۱]



دیوان

غالب دهلوی

مشتغلیت و باغیات فارسی

سرده: میرزا سلطان خان غالب دهلوی

متقدی محسیع تبریز
دکتر محمد حسن عاری